

مسئولیت دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول

مرتضی بهادر*
حورا راستگوی مشهور**

چکیده

ارزش پول، همواره در حال کاهش است و گسترش نقدینگی در جامعه، سبب کاهش قدرت خرید شده، بر اثر تورم از ارزش حقیقی پول می‌کاهد؛ به گونه‌ای که اگر شخص، مدت مدیدی عین پول خویش را در گوشه‌ای نگه دارد، فقط از نظر شکلی، پول خود را نگه داشته؛ ولی از نظر اقتصادی از ارزش تهی شده است. در سال‌های اخیر که از یک طرف اکثر قرض‌ها و معاملات مدت‌دار اشخاص حقیقی و حقوقی چون بانک‌ها با پول رایج است و از طرف دیگر اقتصاد دچار تورم‌های بالا است، طلبکاران در اثر تأخیر تأدیه مواجه با خسارت کاهش ارزش بدهی می‌شوند. آنچه در این میان محل بحث جدی است، مسئولیت دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول است. گاه دولت با اتخاذ بعضی از رویه‌های اقتصادی یا سیاسی موجب کاهش ارزش پول و در نتیجه تورم شده و به دلیل کاهش ارزش دارایی‌های مالی و قدرت خرید، به گروه‌های مختلف جامعه خساراتی وارد می‌گردد. ضمانت‌مسبب و مباشرین کاهش ارزش پول و تورم، جزو موضوعاتی است که مورد تردید و اختلاف فقیهان و حقوقدانان قرار گرفته است و امروزه در خصوص مسئولیت دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول تحت شرایطی مورد پذیرش قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

پول، تورم، ارزش، خسارت، دولت.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

پست الکترونیک: mrtzbhdr65@gmail.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی

پست الکترونیک: hoora.rastgoo@gmail.com



مقدمه

در جامعه کنونی که اکثر تبدلات و قراردادهای بر مبنای وجه رایج کشور صورت می‌گیرد و اوضاع و احوال اقتصادی با رشد فرایندهای در معرض تغییر و تحول است و نوع تورم با رشد بالایی همراه است، چنانچه موضوع تعهد وجه رایج باشد، کاهش ارزش پول تأثیر مهم و قابل توجهی در روابط اقتصادی طرفین دارد. به عنوان نمونه در قراردادی که اجرای آن مدتی به طول می‌انجامد، ممکن است عواملی مانند بحران‌های اقتصادی، جنگ و... چنان تعادل اقتصادی قرارداد را بهم‌بزند که یک طرف (طرفی که تعهد غیر پولی دارد) ضرر عظیم هنگفتی را متحمل و مجبور شود قرارداد را با هزینه‌ای چندین برابر آنچه پیش‌بینی می‌نموده است انجام دهد و طرف دیگر در این رهگذر سود سرشار و غیر قابل پیش‌بینی بدست آورد.

علاوه بر این، از ویژگی‌های بارز اقتصاد قرن اخیر، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، وجود نرخ تورم‌های دورقمی در مقاطع زمانی بلند مدت است و این، موجب پایین آمدن ارزش پول و پدیدار شدن مشکلات حقوقی و اقتصادی پیچیده‌ای در معاملات مدت دار و بدهی‌های معوقه می‌شود. در این میان، گاه دولت با اتخاذ بعضی از رویه‌های اقتصادی یا سیاسی موجب کاهش ارزش پول و در نتیجه تورم شده و به دلیل کاهش ارزش دارایی‌های مالی و قدرت خرید، به گروه‌های مختلف جامعه خساراتی وارد می‌گردد. ضمانت‌مسبب و مباشرین کاهش ارزش پول و تورم، جزو موضوعاتی است که مورد تردید و اختلاف فقیهان و حقوقدانان قرار گرفته است و برخی معتقدند چنانچه دولت با اقدام‌هایی از قبیل چاپ اسکناس بدون کارشناسی دقیق یابی‌پشتوانه یا با ایجاد مناقشات سیاسی و دامن زدن به اختلافات داخلی و جناحی، موجب بروز مشکلات اقتصادی، و در نتیجه کاهش ارزش پول و اضرار به مردم شود، ضامن است و باید خسارات وارد شده را جبران کند. در این مقاله به بررسی نظرات فقها و حقوقدانان در خصوص لزوم جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول و مسئولیت دولت در این خصوص خواهیم پرداخت.

۱- تعریف پول و ماهیت آن

۱-۱- تعریف پول

پول ظاهراً کلمه یونانی است و در تعریف ابتدایی آن وسیله، قطعه، شی، یا چیزی است که انسان‌ها برای تبادل خواسته‌ها، خدمات، کالاها یا نیازها از آن استفاده می‌کنند.^۱

۱. بهشتی، سید محمدحسین، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۷۶.

به صورت کلی هر چیزی می‌تواند به عنوان پول مورد استفاده قرار گیرد. در زمان‌های قدیم کالاها معمولاً به عنوان پول مورد استفاده قرار می‌گرفتند و در بسیاری کشورهای جهان طلا و نقره به عنوان پول رایج بودند. در حال حاضر تقریباً تمام پول مورد استفاده در تمامی کشورهای دنیا اصطلاحاً پول فیات است که به پولی اطلاق می‌شود که دارای ارزش ذاتی نبوده و کنترل ارزش آن در اختیار حکومت است. در بیشتر کشورهای دنیا پول در گردش دارای دو بخش پول مسکوک و پول بانکی است که پول بانکی اکثریت مقدار پول در گردش را تشکیل می‌دهد. همچنین در مفهوم اقتصادی پول واحدی برای اندازه‌گیری تولید اقتصادی و نیز واحدی برای ذخیره ارزش اقتصادی می‌باشد.^۲

۱-۲- ماهیت پول

پول امروزی با پول‌های صدر اسلام تفاوت‌هایی دارد؛ از جمله آنکه پول‌های صدر اسلام پول حقیقی (طلا و نقره) بوده ولی پول‌های امروزی اعتباری محض هستند. همچنین پول‌های گذشته افزون بر ارزش مبادله دارای ارزش مصرفی هم بوده‌اند، ولی پول‌های امروزی فقط دارای ارزش مبادله‌ای هستند؛ افزون بر این پول‌های امروزی از نوع اعتباری است، ولی از دیدگاه فقهی حقوقی نوعی مال به حساب می‌آید. مال چیزی است که مورد رغبت و تقاضای عقلا باشد، بگونه‌ای که حاضر باشند در قبال آن عوضی بپردازند. از این رو با توجه به صدق این تعاریف برای پول‌های امروزی بنا بر اعتباری که حاکمیت به آن داده و مورد مقبولیت عرف است، می‌توان آن را در تعریف مال قرار داد.^۳ علاوه بر این پول دارای دو ارزش اسمی و حقیقی است. اگر ارزش پول را بدون لحاظ شاخص قیمت‌ها و تورم در نظر داشت به ارزش اسمی پول اشاره شده است و اگر قدرت خرید آن در نظر گرفته شود به ارزش حقیقی پول توجه شده است.^۴

ماهیت پول امروزی را عده‌ای مال مثلی و عده‌ای از فقها مال قیمی می‌دانند و می‌گویند هرگاه جنس یا پولی از طلا قرض دهند باید هنگام ادای مثل آن را در جنس و صفت رد کند خواه ترقی یا تنزل قیمت داشته باشد و حتی اگر از اعتبار هم افتاد بر قرض گیرنده غیر مثل آن لازم الوفا نیست اما هرگاه پول کاغذی و اسکناس قرض دهد، چون در حقیقت مالیت و ارزش را قرض داده است باید قیمت و ارزش پول دریافت شده

۲. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷، ص ۴۰۲.

۳. عظیمی، هادی، جبران کاهش قدرت خرید در اثر مرور زمان، تهران، انتشارات تکرنگ، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۳.

۴. امینی، علیرضا، موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله جستارهای اقتصاد ایران دوره چهارم، ۱۳۸۶، شماره هشتم، ص ۴۲.



را رد نماید، در معاملات و مهریه هم همین گونه است.^۵ به نظر می‌آید بتوان گفت پول امروزی یک پدیده مستحدثه است و از نوع اموال اعتباری به نظر عرف است، زیرا عرف جامعه رغبت به پول را در قدرت خرید آن می‌دانند و اگر این اعتبار قدرت خرید از آن سلب شود ذاتاً هیچ ارزشی ندارد تا بتوان گفت مال قیمی یا مثلی است.

۲- مبانی جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول

سئوالی که در اینجا طرح می‌شود این است که آیا لازم است که کاهش ارزش پول را جبران کرد یا خیر؟ در این خصوص میان فقها و حقوقدانان نظرات مختلفی ابراز شده و هر گروه نیز مبانی مختص به خود را دارند. در ادامه به بررسی مهم ترین مبانی و نظرات مطرح شده توسط موافقان و مخالفان جبران کاهش ارزش پول خواهیم پرداخت.

۲-۱- نظریات فقها پیرامون جبران کاهش ارزش پول

فقها در خصوص لزوم جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ برخی بر لزوم جبران کاهش ارزش پول تاکید کرده‌اند و برخی دیگر بر بطلان و حرمت جبران کاهش ارزش پول نظر داده‌اند.

۲-۱-۱- حرمت و بطلان جبران کاهش ارزش پول

فقها برای اثبات نظریه حرمت جبران کاهش ارزش پول، به دلایل متعددی استناد کرده‌اند. برخی از فقها معتقدند که پول در زمره اموال مثلی است، بنابراین؛ براساس قاعده مشهور در فقه که ضمان مثلی به مثل است، اگر شخصی مبلغی بدهکار باشد و هنگام ادای دین، ارزش پولی که دریافت کرده بود، به شدت کاهش یافته و حتی به مقدار یک درصد ارزش زمان دریافت آن برسد، حق طلبکار همان مقدار ارزش اسمی است و بیش از آن حق مطالبه از بدهکار را ندارد.^۶ برخی دیگر از فقها معتقدند، جواز جبران کاهش ارزش پول از مصادیق ارتکاب ربا به شمار می‌رود که دلالت ادله اربعه بر حرمت آن به طور کامل روشن است. گروهی از فقها با اشاره به استناد ضرر به خود وام دهنده، معتقدند که اگر وام دهنده بیش از آنچه پرداخته است، به عنوان تورم و کاهش ارزش پول بگیرد، ربا خواهد بود.^۷ سومین دلیل برای عدم جواز جبران کاهش

۵. رحیمی بروجردی، علیرضا، بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های جمهوری اسلامی ایران، سومین سمینار سیاست‌های پولی و مالی، ۱۳۷۲، ص ۶۰.

۶. یوسفی، احمدعلی، ربا و تورم (بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا)، تهران، مرکز آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱، ص ۲۰۹.

۷. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۳۷۴، ص ۲۶۶.



ارزش پول، توجّه به سیره متشرّعه است. طبق این مبنا، گروهی از فقها معتقدند که تورم هرچند در عصر حاضر افزایش یافته و محسوس تر شده، ولی به طور کلی با نرخ های پایین تر در گذشته و چه بسا از زمان شارع مقدس نیز وجود داشته، اما از طرف شارع مقدس، نسبت به چنین امری، هیچ گونه دستور خاصی صادر نشده است و اگر چنین تورمی هرچند با نرخ پایین، دین محسوب می شد، لازم بود ائمه اطهار(ع) تکلیف مسلمانان را روشن می ساختند.^۸

۲-۱-۲- وجوب و لزوم جبران کاهش ارزش پول

کسانی که به این نظریه معتقدند، دلایلی را در اثبات آن ذکر کرده اند؛ گروهی از فقها معتقدند که به عنوان مثال، اگر مقترض در زمان تأدیه بدهی خود، همان تعداد اسکناس دریافتی را بدون در نظر گرفتن کاهش ارزش پول به مقرض بپردازد، کمتر از آنچه دریافت کرده، پرداخته و برائت ذمه حاصل نمی شود و مقرض زیان خواهد دید و اصل مُسَلَّم عقلایی «تساوی عوضین» رعایت نخواهد شد. برخی دیگر معتقدند که در صورت الغای مالیت یا کم شدن ارزش، فرد متعهد، ضامن جبران کاهش ارزش آن می باشد، مثلاً اگر مردی که مهریه همسرش در ۳۰ سال پیش، هزار تومان بوده است و اکنون بخواهد آن مهریه را به همسرش بدهد، ضامن کم شدن ارزش مهریه که به صورت اسکناس بوده، می باشد و اکنون که می خواهد بدهی خود را به زوجه بپردازد، باید همان قدرت خرید سی سال قبل را بدهد؛ زیرا پول کاغذی چیزی جز حفظ ارزش و مالیت به شمار نمی رود.^۹ بنابراین، جبران کاهش ارزش پول از آن جهت که سبب حفظ ارزش و مالیت پول است، واجب و لازم می باشد.

۲-۲- مبانی فقهی - حقوقی جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول

در خصوص لزوم جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، در نظام حقوقی ایران مبانی مختلفی ارائه شده است؛ بررسی تمامی مبانی مطرح شده در این مقال نمی گنجد و لذا جهت پرهیز از اطاله کلام در ادامه به بررسی مهم ترین مطرح شده در خصوص لزوم جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول خواهیم پرداخت.

۲-۱-۲- قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یک قاعده عقلی و عرفی است که در اسلام به وسیله حدیث نبوی

۸. مرعی شوشتری، سید محمدحسن، پاسخ به نظرخواهی از فقها، فصلنامه رهنمون، ۱۳۷۲، شماره چهارم و پنجم، ص ۱۰۶.
 ۹. موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، القواعد الفقهیه، تهران، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸.
 ۱۰. نوری همدانی، پاسخ به نامه ۵۶/۶۱۹/۸/د کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵ش. به نقل از: همان.



«لاضرر و لاضرار فی الاسلام» تأیید شده است و نه اینکه این قاعده وضع و تأسیس اسلام باشد. همچنین از آنجا که پول اعتباری استواری و حیثیتش به ارزش مبادله‌ای آن در بازار وابسته است، با کاهش ارزش در طی زمان زیان نزد عرف عام صادق می‌باشد. بنابراین کاهش ارزش حقیقی و قدرت خرید پول به نوعی ضرر به حساب آمده و حسب این قاعده، ضرر وارد شده به دارنده پول که خارج از توان و اختیار وی بوده، باید توسط خسارت زنده جبران شود.^{۱۱}

۲-۲-۲- قاعده اتلاف

مفاد قاعده اتلاف (من أتلف مالَ الغَیرِ فهُوَ لَهُ ضامن) در کتب حدیثی نیامده ولی از چندان شهرتی برخوردار است که به عنوان حدیث معصوم تلقی شده و مورد استناد فقها قرار گرفته است. از آنچه در خصوص مستندات و قلمرو قاعده اتلاف وجود دارد چنین استفاده می‌شود که هر فرد حقیقی یا حقوقی (دولتی یا غیردولتی)، مال دیگری را از بین ببرد، حال چه خود مال از بین برود یا مالیت آن، یا کارایی آن، به طور کامل از بین برود یا بخشی از آن نابود شود، از روی ناآگاهی انجام شود یا به صورت عمد، در تمامی این صور ضمان وجود دارد، با این تفاوت که در جایی که عمد باشد افزون بر ضمانت، کیفر هم وارد است^{۱۲} بر این اساس اگر بتوان کاهش ارزش حقیقی و قدرت خرید پول را مصداق اتلاف مال نامید می‌توان متلف را ملزم به جبران دانست. بنابراین، در فرض کاهش ارزش پول، با استناد به قاعده اتلاف، اگر کسی اوراق بهادار (اسکناس) دیگری را از بین ببرد، در حقیقت مال غیر را از بین برده و ضامن است و باید عوض همان مقدار مالی که تلف شده را به مالک آن برگرداند و در این صورت ممکن است، تعداد اوراق بهاداری که تلف کرده، کمتر از تعدادی باشد که تلف کننده ملزم به پرداخت آن است؛ زیرا اینها از نظر تعداد متفاوت ولی از لحاظ قدرت خرید مساوی هستند.^{۱۳}

۲-۲-۳- قاعده تسبیب

مطابق موازین فقهی، هرگاه عمل شخص با واسطه باعث تلف مال دیگری شود، وی

۱۱. البته گرچه زیان و ضرر بودن کاهش قدرت خرید پول از نگاه عرفی امری مقبول و روشن است، اما در مباحث فقهی بین فقها اختلاف زیادی وجود دارد که عمدتاً مربوط به این نکته می‌شود که آیا قرض‌گیرنده ملزم به جبران کاهش ارزش پول قرض گرفته از قرض دهنده است یا خیر. اما در مجموع به نظر می‌رسد دلایل موافقین قابلیت جبران این کاهش ارزش، قوی‌تر از دلایل رقیب است.

۱۲. جعفری، جمیله و باقری، احمد، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ۱۳۹۳، شماره دهم، ص ۱۰۷.

۱۳. موسوی بجنوردی، منبع پیشین، ص ۱۶۳.



ضامن و این عمل تسبیب محسوب می شود.^{۱۴} در فرض کاهش ارزش پول، به عنوان مثال اگر یکی از مسئولان سیاسی یا اقتصادی کشوری، اقدام به موضع گیری خاصی در روابط خارجی با دیگر کشورها نماید، به طوری که منافع ملی را نیز تأمین نکند و این عمل سبب بحران اقتصادی در کشور شده و در نتیجه آن ارزش پول ملی کاهش یابد، آن مسئول بالتسبیب ضامن کاهش ارزش پول ملی می باشد.

۲-۴- قاعده ضمان ید

از قواعد فقهی مشهور، قاعده ضمان ید است.^{۱۵} مفاد قاعده مذکور، این است که هر کسی بر مال دیگری دست یابد، بدون آنکه از طرف مالک مأذون باشد، موظف به رد عین مال به صاحب آن است.^{۱۶} به عقیده فقها، مقتضای اولیه تصرف و یا استیلا بر مال دیگری، این است که متصرف در مقابل مالک ضامن است، یعنی علاوه بر آنکه مکلف به بازگرداندن عین در زمان بقای آن است، اگر مال مذکور تلف شود یا نقص و خسارت به آن وارد گردد، متصرف باید از عهده خسارت وارده نیز برآید.^{۱۷} بنابراین، در فرض کاهش ارزش پول، به عنوان مثال اگر غاصب فقط تعداد اسمی پولی را که غصب کرده بازگرداند، موجب نقص یا تلف بخشی از پول مالک شده که بایستی با جبران کاهش ارزش آن، از عهده خسارت مالک برآید. به عبارت دیگر، در مورد اوراق بهادار (اسکناس)، شخص ضامن قدرت مالی تلف شده یا غصب شده می باشد؛ زیرا ذمه فرد متلف یا غاصب، مشغول به مقدار قدرت خرید تلف شده یا غصب شده در اوراق بهادار است و چون قدرت خرید اوراق بهادار بر اثر تورم کاهش یافته، بازپرداخت اسمی همان اوراق بهادار، آنان را بری الذمه نمی کند و چه بسا بتوان گفت: در قواعد ضمان و روایات مربوطه در باب اشتغال ذمه به پول، ارزش پولی پول یعنی قدرت خرید آن مورد ضمان باشد. بنابراین، در فرض کاهش ارزش پول، در مواردی همچون غصب و سرقت پول، طبق قاعده ضمان ید، آنچه به ذمه شخص می آید، در واقع همان قدرت خرید است و غاصب یا سارق، زمانی که بخواهند ذمه خود را مفرغ سازند، باید همان قدرت خریدی که به طور اعتباری به ذمه شان آمده و نیز منافع آن را پرداخت نمایند تا تفریغ ذمه حاصل گردد.^{۱۸}

۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه بخش مدنی، تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰.

۱۵. مدرک و مستند روایی قاعده فوق، حدیث مشهوری از رسول اکرم (ص) است که می فرمایند: «عَلَى الْيَدِ مَا أَخَذَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَهُ».

۱۶. ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۰۳.

۱۷. محقق داماد، سید مصطفی، منبع پیشین، ص ۷۵.

۱۸. همان، ص ۷۶.



نقش نظام بانکی و حاکمیت در کاهش ارزش پول

گاه دولت با اتخاذ بعضی از رویه های اقتصادی یا سیاسی موجب کاهش ارزش پول و در نتیجه تورم شده و به دلیل کاهش ارزش دارایی های مالی و قدرت خرید، به گروه های مختلف جامعه خساراتی وارد می گردد. در این قسمت به بررسی نقش دولت و نهادهای پولی و بانکی تحت نظارت دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول خواهیم پرداخت.

۳- نقش دولت در کاهش ارزش پول

از آنجا که دولت و نهادهای مربوط به آن یکی از مسائل نوپدید بوده و قدمت و سابقه آن از نظر تاریخی همزمان با بروز و ظهور دین اسلام نمی باشد، دستیابی به احکام ناظر به مسئولیت دولت با ماهیت جدید آن در فقه اسلامی، امری مشکل به نظر می رسد. علمای حقوق، وظایف دولت را به دو دسته «حاکمیتی» و «تصدی گری» تقسیم نموده اند. در اعمال حاکمیتی دولت در مقام استفاده از حق حاکمیت و اقتدار ملی است، تنها نفع عموم را در نظر دارد و برای اجرای وظایف خود در نقش آمر و فرمانده ظاهر می شود. ولی در اعمال تصدی گری، دولت به کارهایی می پردازد که مردم نیز در روابط خصوصی انجام می دهند. در اینگونه اعمال، دولت در نقش تاجر و صنعتگر ظاهر می شود و همانند سایر اشخاص حقوقی به داد و ستد می پردازد، که شامل امور خدماتی و فرهنگی می باشد اموری که می تواند از طریق اشخاص حقوقی نیز اعمال شود.^{۱۹}

در حقوق ایران مسئولیت مدنی دولت به طور مطلق نمی باشد، بلکه این مسئولیت در مورد خساراتی است که ناشی از اعمال تصدی گری دولت است که در آن نشانی از قدرت سیاسی دولت دیده نمی شود؛ مثل خرید و فروش و مواردی از این قبیل که دولت آنها را به عنوان این که دارای شخصیت حقوقی و مسئول حفظ دارایی و منافع و اموال عمومی است، انجام می دهد. در مورد اعمال تصدی گری، دولت مسئول خساراتی است که به افراد وارد می کند و در این قبیل اعمال، دلیلی بر سلب مسئولیت دولت وجود ندارد. ولی، در مورد اعمال حاکمیتی، دولت مسئول خسارات وارده نمی باشد. همانطور که در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی آمده: «هرگاه اقداماتی بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود».

با ملاحظه نظریه ضمان دولت در کاهش ارزش پول، به بررسی مبانی این موضوع

۱۹. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ بیستم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷.

در دو گروه مبانی عام و مبانی خاص خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- مبانی عام ضمان دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول

قاعده عدالت، حرمت مال مسلمان و نظم عمومی به عنوان مبانی عام ضمان دولت در کاهش ارزش پول هستند.

۳-۱-۱-۱- عدالت

قاعده عدالت از جمله اصول کلی خدشه ناپذیر است که اغلب در فقه به آن استناد می شود و همه اشخاص حقیقی و حقوقی صرف نظر از تعداد زیان دیده گان در برابر این قاعده برابرند.^{۲۰} قرائن اثبات می کند که عرف، عدم ضمان دولت را در شرایطی که تورم منسوب به اعمال دولت و کارکنانش باشد ظلم تلقی می کند. پس اگر اثبات شود دولت در کاهش شدید ارزش پول مقصر است و از این طریق افرادی متضرر گردند، طبق قاعده عدالت ملزم به پرداخت خسارت است؛ زیرا در دیون و روابط مالی جهت رعایت قاعده عدالت و قسط، باید ادای دین از طرف تالف و مدیون به نحو کامل انجام پذیرد. به این ترتیب دارندگان پول های نقد، سپرده گذاران و صاحبان حساب های پس انداز قرض الحسنه و کارمندان دولت و افراد بازنشسته که درآمد پولی ثابتی دارند و مانند این ها، به میزان کاهش ارزش پول، زیان می بینند. در نتیجه حکم به «عدم ضمان دولت» در مواردی که خود عامل ایجاد ضرر از طریق «کاهش ارزش پول» شود، ظالمانه است و با اصل قسط و عدل سازگاری ندارد.

۳-۱-۲- قاعده حرمت مال مسلمان

جایی که مالی محترم است در صورت اتلاف و تعدی به آن، جبران آن لازم است، جبران خسارت وارده بر مال محترم از جمله احترام به آن مال محسوب می شود. حال تفاوتی نمی کند این مال توسط چه کسی مورد تعدی یا تلف و یا نقصان واقع شود به یقین حکم وضعی را اثبات می کند حتی اگر ضایع کننده مال دولت باشد. به فرض اگر افرادی سرمایه پولی خود را برای مدتی بر اساس معمول در بانک سپرده گذاری کنند و دولت با سیاست های پولی یا تورم، قدرت خرید پول را به طور غیرمتعارف پایین آورد، به نوعی مال آنها را مورد تعدی و در نتیجه نقصان قرار داده و این مصداق از بین بردن احترام مال مسلم است.^{۲۱}

باتوجه به این که اسکناس منفعت استعمالی قابل ذکری جز قدرت خرید

۲۰. موسی زاده، ابراهیم، حاکمیت و عدالت در قرآن و اندیشه سیاسی امام علی (ع)، فصلنامه حقوق اساسی، ۱۳۸۴، شماره پنجم، ص ۳۲.

۲۱. شمس، سید حسین، احکام فقهی پول، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۷۶.



ندارد باید آن را در بازپرداخت اسکناس لحاظ کرد؛ زیرا که به منفعت استعمالی آن نقص وارد شده است؛ پس اگر دولت در این سیاستگذاری مقصر باشد، و یا قبل از هر اقدام مصلحت جویان های، هشدارهای لازم به سپرده گذاران نداشته باشد، نسبت به پول های سپرده به تناسب کاهش قدرت خرید، که مشخصاً نوعی از بین بردن حرمت مال افراد است، ضامن می باشد.^{۲۲}

۳-۱-۱-۳- نظم عمومی

در اثر پیدایش ضرر، وضعیت اقتصادی متضرر تغییر می یابد و دارایی او نقصان می پذیرد و چون این امر بدون مجوز قانونی به وسیله غیر به عمل می آید، نظم اجتماعی متزلزل می گردد. قانون برای برقراری نظم اجتماعی به حمایت متضرر آمده و جبران خسارت را از ناحیه فاعل آن لازم می داند و در این امر سعی و کوشش می کند تا آن قدر که ممکن باشد وضعیت اولیه متضرر به صورت قبل از پیدایش ضرر عودت یابد. در نتیجه با توجه به تساوی افراد حقیقی و حقوقی در این اصل، دولت در صورتی که در حوزه تصدی گری خود موجب بروز کاهش ارزش پول و در نتیجه بحران های اقتصادی باشد، ضامن ضرری که به واسطه عملکرد او بر افراد جامعه وارد شده، می باشد.^{۲۳}

۳-۱-۲- مبانی خاص ضمان دولت در جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول
قواعدی چون اتلاف، لاضرر، و تسبیب در شمار مبانی خاص ضمان دولت در کاهش ارزش پول قلمداد می شوند.

۳-۱-۲-۱- قاعده اتلاف

متصدیان امور دولتی، چنانچه به سبب مسئولیتی که دارند موجب اتلاف مال سایر اشخاص شوند باعث ایجاد مسئولیت مدنی برای دولت می شوند و این دولت است که پس از پرداخت خسارت وارده، طبق روابط و ضوابط درون سازمانی، به کارمند رجوع می کند. پس طرف دعوا شخص زیان دیده از همان ابتدای امر دولت می باشد. لذا با توجه به مطالب فوق و این که شارع مقدس و سیره عقلا تأکید بر جبران خسارت مینماید؛ مسئولیت دولت اثبات گردیده و دولت مسئول جبران خسارت می شود. در نتیجه وزیران، نمایندگان مجلس، رؤسای ادارات خاص اگر خارج از حوزه مسئولیت خود و در صورت نداشتن صلاحیت و توانایی لازم برای

۲۲. صافی گلپایگانی، لطف الله، نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل حقوقی و فقهی ناشی از کاهش ارزش پول، مدرسه عالی شهید مطهری، مجله رهنمون، ۱۳۷۲، ش.ماره ششم، ص ۵۲۳.

۲۳. عابدینی، احمد، ربا در حالت تورم و ضمانت سقوط پول، اصفهان: انتشارات اقیانوس معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۸۷.

داشتن آن مقام و از روی کوتاهی و سهل انگاری به صورتی عمل کردند یا سخن گفتند و سبب پایین آمدن ارزش پول یا ایجاد تورم شوند، ضامن هستند و فرقی بین مباشر و سبب نیست، بلکه اگر به عمد و برای رسیدن به خواسته های شخصی باشد گناهکار نیز به حساب می آید. بنابراین اقدام هایی که دولت انجام می دهد چه به صورت از بین بردن پشتوانه مادی پول باشد مثل چاپ اسکناس بدون کارشناسی دقیق و بدون پشتوانه و مصرف نمودن پشتوانه این اسکناس ها باشد و یا با سست کردن پشتوانه معنوی پول ملی یعنی با روش های نامعقول در حوزه سیاست داخلی و خارجی موجب مناقشات سیاسی و اختلافات داخلی و جناحی، بروز مشکلات اقتصادی و در نتیجه کاهش ارزش پول و اضرار به مردم شود، ضامن است. نکته قابل توجه این است که در این صورت نیاز به کارشناسی دقیق در تشخیص تقصیر دولت و وزیران ایشان و دیگر مسئولین و میزان تقصیر آنان است و نیز نیاز به دقت کارشناسی در تعیین میزان خسارت وارده، نباید نادیده گرفت که تحقیق بیشتر متخصصان اقتصادی را طلب می کند.^{۲۴}

۳-۱-۲-۲-قاعده تسبیب

در حقوق ایران در خصوص این که مسبب ورود خسارت دولت باشد، در صورتی که کارمند و متصدی امور دولتی به تنهایی سبب ورود ضرر و زیان به اشخاص گردد، در مرحله اول، دولت مسئول جبران خسارت وارده است و این دولت است که در روابط خود با شخص کارمند، طبق ضوابط اداری و سازمانی برای جبران خسارت وارده به خود، به کارمند رجوع می کند، اما اگر دولت به تنهایی سبب ایجاد خسارت بر اشخاص گردد؛ در چنین حالتی واضح است که دولت چه سلباً و چه ایجاباً موجب ورود ضرر و زیان گردد، ملزم به جبران آن می باشد. مثلاً اگر تدوین و تصویب آیین نامه ها و مقررات دولتی غیر کارشناسی و در حوزه وظایف تصدی گری خود منجر به ورود ضرر به افراد جامعه گردد (ایجابی) یا این که دولت در تأمین رفاه و آسایش و امنیت، اعم از اقتصادی، اجتماعی و غیره قصور کرده (سلبی) و سبب ورود خسارت به افراد جامعه شود ضامن است و باید این خسارت را جبران نماید.

بر این اساس در موضوع جبران کاهش ارزش پول و دیگر ابعاد اقتصادی چنان چه سببیت دولت در ایجاد ضرر اثبات شود، یعنی دولت بدون در نظر گرفتن

۲۴. جهت مطالعه بیشتر: هاشمی شاهرودی، سید محمود، ضمان کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ۱۳۷۷، شماره دوم.



مصلحت عمومی و در راستای اهداف غیرحاکمیتی، اقدام ها و برنامه های خاص و غیر کارشناسی اقتصادی داشته باشد، یا با تغییرات آنی و مقطعی مصوبه های قانونی در زمینه های اقتصادی یا سیاسی و یا غیر آن موجبات سقوط پول ملی را فراهم نماید و به این ترتیب، مردم و سرمایه گذاران را دچار ضرر و زیان یا ورشگستگی کند، با استناد به قاعده تسبیب، دولت ملزم به جبران این خسارات می باشد.

لازم به ذکر است که یکی از مشکلاتی که در این مسأله وجود دارد این است که علاوه بر اثبات وجود ضرر، باید رابطه سببیت بین تقصیر دولت و ضرر ثابت شود؛ در فرض مسأله باید ضمن بررسی عوامل مختلف کاهش ارزش پول، احراز شود که تقصیر دولت باعث کاهش ارزش پول شده است و به عبارتی دولت سبب ایجاد این عامل یا عوامل بوده و تشخیص این موضوع نیاز به کارشناسی دقیق دارد که راه کارهای علمی مناسبی می طلبد.

۳-۱-۲-۳- قاعده لاضرر

با پذیرفتن مبنای فقهای که برای اثبات ضمان به قاعده لاضرر استناد می کنند در صورت اثبات تقصیر دولت و عوامل دولت در کاهش چشمگیر ارزش پول، دولت مسئول جبران تمامی خساراتی است که از این طریق به وسیله کارکنان، کار گزاران و یا به سبب اعمال و تصمیمات حکومتی بر افراد جامعه وارد می شود و تنها چیزی که گستره این مسئولیت را محدود می کند قید «مصلحت عام» می باشد که اعمال آن نیز به دست حاکم اسلامی می باشد. همچنین اصول حقوقی اقتضا دارد همان گونه که اشخاص حقیقی اگر خسارت و زبانی وارد آوردند، متحمل پرداخت خسارت می شوند؛ در مورد اشخاص حقوقی، خواه دولت باشد یا غیر آن نیز همی نگونه عمل شود و اصل وحدت احکام شخص حقیقی و شخص حقوقی که در ماده ۵۸۸ قانون تجارت انعکاس یافته، مؤید آن است. به این ترتیب حکم به جبران خسارت بهترین راه برای جلوگیری از ضرر است و ضامن نبودن دولت نسبت به خسارت هایی که به مردم در اثر عملکرد ایشان وارد می گردد، حکمی است ضرری، و موجب فشار و زیان بر افراد جامعه است.

۳-۲- نقش نظام بانکی در کاهش ارزش پول

عموماً بانک یک نهاد واسطه مالی^{۲۵} تلقی می شود که سپرده ها را از یک سو تجهیز و از سوی دیگر تخصیص می بخشد. اگر حاکمیت و یا به نحو تخصصی تر بانک مرکزی که مقام ناظر بازار پولی است، نظارت موثری بر فرایند خلق پول شبکه بانکی نداشته باشد

(مفهوم سلبی)، بدون شک کاهش ارزش پول رهاورد این جریان خواهد بود. افزون بر این، اضافه برداشت شبکه بانکی از بانک مرکزی و اعطای خط اعتباری به این شبکه در کنار اعمال سایر سیاست‌های انبساطی پولی بانک مرکزی (مفهوم ایجابی) نقش پررنگ‌تری برای بانک مرکزی در خلق پول جدید، کاهش ارزش پول و به تبع آن لزوم جبران آن ایجاد می‌نماید.

البته ممکن است اعمال سیاست پولی انبساطی و یا خلق پول توسط شبکه بانکی از الزامات اقتصادی و از سیاست‌های خروج از رکود در راستای تأمین منافع عمومی جامعه باشد. فارغ از بحث مفصل ارتباط اثرگذاری خلق پول بر خروج از رکود که نظرات موافق و مخالف خاص خود را دارد، بنا به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی الزام جبران ضرر کاهش ارزش پول ناشی از اینگونه سیاست‌ها از بین می‌رود. این ماده اشاره می‌کند که: «در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود دولت مجبور به پرداخت خسارات نخواهد بود». همچنین از آنجاکه مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر است، چنانچه عواملی خارج از کنترل و تصمیم حاکمیت همچون شرایط اقتصاد جهانی موجب بروز زیان مذکور شده باشد، حاکمیت از این نوع مسئولیت مدنی معاف خواهد بود.

۳-۳- مسئول جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول

با فرض آنکه بپذیریم حاکمیت به دلیل اعمال سیاست‌های اقتصادی و یا عدم نظارت صحیح بر فرآیند خلق پول شبکه بانکی در کاهش ارزش پول دارای نقش هستند و جبران ضرر بر عهده آنان است، پرسش دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه آیا جبران این ضرر بر عهده بیت‌المال مسلمین و از محل درآمدهای عمومی دولت است و یا ذمه مدیران، تصمیم‌گیرندگان و مسئولین بازار پول شخصاً در این جبران مشغول است؟

از آنجا که سیاستگذاری پولی و تغییر ارزش حقیقی پول به علت اعمال سیاست‌های اقتصادی از مسائل جدید و مستحدثه است، مباحثات فقها و احکام فقهی ناظر به مسئولیت حاکمیت در این حوزه از حیث فقهی کمتر مورد توجه و پرداخت قرار داشته است. در این بین مواردی که براساس آن می‌توان ردپای مسئولیت حاکمیت را پیدا نمود، مربوط به مسائلی همچون پرداخت دیه در موارد خاص از بیت‌المال و لزوم جبران خطا و اشتباه قضات، کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته از بیت‌المال است. بنابراین هر چند این موارد ارتباط مستقیمی با کاهش ارزش پول ندارد ولی می‌تواند تقریبی از



مسئولیت‌پذیری حاکمیت در قبال جبران ایراد ضرر به افراد متضرر باشد.^{۲۶} به عنوان نمونه، از لحاظ حقوقی ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌دارد که: «حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر اینصورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود». این عبارت بیان‌کننده این واقعیت است که در مواقعی که صدمه و خسارتی از ناحیه حاکمیت بر افراد وارد می‌شود، نیازمند جبران است. در خصوص جبران این نوع خسارات و صدمات که ناشی از خطای قاضی است، علاوه بر ماده فوق از قانون مجازات اسلامی، اصل ۱۷۱ قانون اساسی بیان می‌دارد که «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد».

علاوه بر این بر اساس چنین مبنایی، در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در خصوص کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که موجب خسارت به اشخاص می‌شوند می‌گوید: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و یا مؤسسات مزبور باشد در این صورت جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است».

بدیهی است تعمیم قطعی این احکام به سایر حوزه‌های مسئولیت حاکمیت، مانند ضمان کاهش ارزش پول نیاز به مذاقه فقهی و پژوهش‌های عمیق‌تری دارد. اما در هر صورت چنانچه جواز فقهی این تعمیم اثبات گردد، می‌توان حاکمیت را در اعمال سیاست‌های فراتر از الزامات اقتصادی که منجر به کاهش ارزش پول شود، ملزم به جبران دانست. همچنین چنانچه این کاهش بر اثر کوتاهی و تقصیر متولیان امر باشد حتی می‌توان پارا فراتر از این نهاد و جبران ضرر وارده را متوجه شخصیت حقیقی ایشان نمود.^{۲۷}

۲۶. جعفری، جمیله و باقری، احمد، منبع پیشین، ص ۱۰۹.

۲۷. جهت مطالعه بیشتر در این خصوص ر.ک: یوسفی، احمد، راههای جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، ۱۳۸۳، شماره ۳.



۴- راهکارهای جبران کاهش ارزش پول

در حال حاضر جبران کاهش ارزش پول در چارچوب ماده ۵۲۲ قانون مدنی و شرایط این ماده قابل مطالبه است، که این شرایط جبران این خسارات را با محدودیت‌های جدی مواجه نموده است. به عنوان مثال در مواردی همچون جهل داین به دین، عدم شناسایی مدیون و یا مقبوض به عقد فاسد که وجهی برای مطالبه وجود ندارد، برای جبران کاهش ارزش پول چه راه کاری باید اندیشید. در پاسخ می‌توان گفت که در این موارد باید از ظاهر قانون دست کشید و مطالبه را لازم ندانست، چرا که در فرض ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی از ابتدا حکم تکلیفی پرداخت دین وجود ندارد. در واقع مدیون باید متمکن در پرداخت بوده و از سوی دیگر داین نیز دین خود را مطالبه کرده باشد. که در این صورت حکم تکلیف یا دایدین بر او لازم شده و مطالبه در اینجا ضروری است.

همچنین در مواردی مثل مقبوض به عقد فاسد، مطالبه شرط نیست، چرا که در این امور از ابتدا حکم تکلیفی برای مدیون نسبت به رد وجود دارد. بنابراین حتی بدون وجود مطالبه باید قائل به جبران خسارت کاهش ارزش پول باشیم. بنابراین به نظر می‌رسد که با تفسیر از ماده ۵۲۲ ق.ا.د.م می‌توان راهکار مناسبی را جهت جبران خسارت کاهش ارزش پول فراهم آورد. قانونگذار نیز نظریه لزوم جبران کاهش ارزش پول را به نحوی پذیرفته است؛ بر این اساس در صورت وجود تورم باید کاهش ارزش پول بر اساس نرخ تورم رسمی اعلام شده از سوی بانک مرکزی جبران شود. در این جهت، قانونگذار با الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی (در مهریه‌ای که وجه رایج باشد) و نیز در ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در خصوص جبران خسارت در دین به تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی تعیین می‌گردد این اصل را تأیید و تصویب نموده تا بخشی از ضرر افراد جامعه جبران گردد.^{۲۸}

۲۸. رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳- ۹۳/۷/۱۵- هیأت عمومی دیوان عالی کشور، نظر شعبه‌ای را پذیرفته که گرامت را به میزان کاهش ارزش ثمن همان معامله تلقی نموده است. به عبارت دیگر گرامات همان خسارتی است که از قبیل مستحق لغیر درآمدن مبیع به مشتری وارد شده است و ملاک احتساب کاهش ارزش ثمن، ثمن همان معامله است و نمی‌توان ارزش ثمن که موقعیت خاص حقوقی دارد، عنوان وجهی انتزاعی از آن معامله، لحاظ کرد والا اگر نظر اعضای هیأت عمومی وحدت رویه، صرف کاهش ارزش پول بر مبنای ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بوده، صراحتاً در رأی مذکور به ماده ۵۲۲ اشعاری استناد می‌شده است؛ در حالیکه نه در رأی وحدت رویه آمده است و نه هیچ یک از اکثریت قضات هیأت عمومی چنین برداشتی داشتند و قدر متیقن رأی وحدت رویه آن است که تورم ناشی از کاهش ارزش ثمن یا ملاحظه همان معامله یا به تعبیر دیگر تورم موضوعی لحاظ گردیده است. مضافاً اینکه اگر منظور رأی وحدت رویه کاهش ارزش پول بر مبنای ماده ۵۲۲ قانون مزبور بوده باشد، با توجه به شرایط ۵ گانه مندرج در این ماده، اصولاً شامل مسئله موضوع رأی وحدت رویه نخواهد شد. نتیجه آنکه نباید رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی را به نحوی تفسیر کرد که عملاً یک رأی بی‌خاصیت در منابع حقوقی کشور جلوه نماید، چیزی که در مخیله هیچ یک از اکثریت قضات هیأت عمومی دیوان عالی کشور نبوده است. علی‌هذا صرفنظر از نحوه استدلال دادگاه، چون مورد از ماده ۳۹۱ قانون مدنی و مبحث مربوط به ضمان درک و رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳ هیأت عمومی دیوان عالی



علاوه بر این، راهکارهای تئوری و عملی دیگری نیز می‌توان برای جبران خسارت ناشی از کاهش ارزش پول پیشنهاد داد.

۱-۴- راهکارهای نظری جبران کاهش ارزش پول ۱-۱-۴- تعدیل قانونی^{۲۹}

تعدیل قانونی در قالب تعدیل مال الاجاره (ماده ۴ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب ۱۳۵۶) در مورد اماکن تجاری، پرداخت مهریه براساسی و اشخاص اعلامی ازسوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (قانون الحاق یک تبصره به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی) آیین‌نامه اجرایی آن، پرداخت خسارت تأخیر تأدیه در مورد مطالبات بانک‌ها (قانون عملیات بانکداری بدون ربا) و (قانون استفساریه تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک) و نهایت پرداخت مستقیم میزان کاهش ارزش پول در صورتی که موضوع تعهد این بوده است، موجب جبران کاهش ارزش پول می‌شود.

۲-۱-۴- تعدیل قراردادی

ممکن است طرفین در قراردادی که با کاهش شدید ارزش پول همراه است در زمان اجرای قرارداد توافق بر تعدیل آن نمایند و یا اینکه هنگام انعقاد قرارداد شروطی را در قرارداد بیان کنند که به جبران کاهش ارزش پول انجامد مانند اجرای تعهد براساس کالایی خاص غیر وجه رایج مانند طلا، نقره، گندم و... و یا بر مبنای شاخص عمومی کالا و خدمات و یا اصولاً اجرای تعهد بر عین ارزش خارجی صورت پذیرد و به این طریق از ورود ضرر ناشی از کاهش ارزش پول جلوگیری نمایند.

۳-۱-۴- تعدیل قضایی

تعدیل قضایی قرارداد در اثر کاهش ارزش پول، از مفاهیم حقوقی-اقتصادی است که در نتیجه نوسانات اقتصادی قرن اخیر حادث شده است. گرچه اصل اولیه در قراردادها رعایت احترام به اراده طرفین است ولی گاه ممکن است قاضی محکمه به استناد شرط ضمنی و یا جلوگیری بی‌عدالتی، در قرارداد مداخله نموده و با تفسیر قرارداد مفاد آن را تعدیل و متناسب با شرایط زمان می‌سازد برابری عرفی عوضین نوعی و عام است و تمام قراردادهایی را که بر مبنای مسامحه منعقد نشده باشند، شامل می‌شود، و لو اینکه در متن قرارداد سخنی از این تعادل به میان نیامده باشد و در صورتی که عاملی

کشور خروج موضوعی دارد و مطابق مواد ۴۵۵ و ۴۵۶ قانون مدنی مشتری پس از عقد بیع حق دارد انحاء تصرفات را انجام دهد و فسخ احتمالی معامله موجب زوال حق مالک بالفعل، نخواهد شد و این مورد را نمی‌توان با ید غاصب یا در حکم غاصب قیاس کرد.

۲۹. بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۷۶.

مانند بحران اقتصادی موجب تغییر غیر متعارف آن وضعیت گردد این شرط به زیان دیده حق می‌دهد تا با مراجعه به دادگاه تعدیل آن را بخواهد.^{۳۰}

۴-۱-۴- فسخ قرارداد

متعهدله بر مبنای غبن حادث و یا تعذر وفا به مدلول عقد ممکن است مبادرت به فسخ قرارداد نموده و به این وسیله از ورود ضرر بیشتر در اثر کاهش ارزش پول جلوگیری از ضرر ناروای مغبون است و این ملاک در حوادث غیر قابل پیش‌بینی هم‌وجود دارد و از طرفی فسخ با روح قوانین و جمع عدالت و حاکمیت اراده سازگاری بیشتری تا تعدیل قرارداد دارد.^{۳۱}

۴-۲- راهکارهای عملی جبران کاهش ارزش پول

ضرر حاصل از کاهش ارزش پول را می‌توان با برخی راهکارهای عملی، جبران کرد یا به کم‌ترین حد رساند. «معیار پول پایه بین‌المللی» یا «حق برداشت مخصوص» یکی از راهکاری مؤثر در این خصوص است.^{۳۲} «حق برداشت مخصوص»، نوعی پول بین‌المللی است. پیش از خلق این پول، دلار آمریکا نقش اساسی را در مبادلات جهانی داشت؛ اما نوسانات شدید دلار در برابر سایر ارزها، بیش‌تر کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان را به فکر خلق نوعی پول بین‌المللی فرو برد. در خلق و حفاظت این پول بین‌المللی مسئولیت جمعی کشورهای قدرتمند اقتصادی نقش اساسی داشت. در سال ۱۹۷۴ میلادی تصمیم گرفته شد که ارزش حق برداشت مخصوص در ارزهای شانزده کشور محاسبه شود. این کشورها، کشورهایی بودند که صادرات آن‌ها طی سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ بیش از یک درصد از تجارت جهانی کالاها و خدمات را تشکیل می‌داد و ضرایب داده شده به سهم هر ارز در «حق برداشت مخصوص» نیز بر اساس حجم تجارت طی پنج سال و موجودی پول هر کشور در سایر کشورهای عضو برگزیده شد. در سال ۱۹۸۱ میلادی صندوق بین‌المللی پول، تعداد ارزهای این سبد را به پول‌های پنج کشور صنعتی آمریکا، آلمان، فرانسه، ژاپن و انگلیس محدود کرد. این عمل، به منظور تسهیل در قیمت‌گذاری ارزش هر واحد حق برداشت مخصوص صورت پذیرفت. نظر به آن که پنج کشور پیش‌گفته، دارای بیش‌ترین سهم صادرات جهانی کالاها و خدمات هستند، قرار بر این شد که در فواصل پنج ساله، در صورت

۳۰. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: حسین آبادی، امیر، تعادل اقتصادی در قرارداد، مجله تحقیقات حقوقی، ۱۳۷۶، شماره بیست یکم و بیست دوم.

۳۱. صادقی مقدم، محمد حسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۱.
32. Special Drawing Right



لزوم، در ترکیب ارزهای سبد حق برداشت.^{۳۳} یکی از ویژگی‌های «حق برداشت مخصوص»، ثبات بیش‌تر آن در برابر نوسانات نرخ ارز در مقایسه با یک ارز (مثلاً دلار) است؛ زیرا این واحد محاسبه، متشکل از پول پنج کشور قدرتمند اقتصادی است که اگر یکی تضعیف شود، تأثیر آن چندان محسوس نخواهد بود؛ افزون بر آن، همزمان با تضعیف یک پول، احتمال تقویت پول دیگر وجود دارد که در یک برآیند، ممکن است همدیگر را خنثی کنند؛ پس، این نوسانات ارزی، اثر چندانی روی «حق برداشت مخصوص» نخواهد داشت.^{۳۴}

به کارگیری چنین پولی که نزد عرف و عاقلان عالم مال شمرده می‌شود، در انواع سپرده‌های بانکی و در روابط مالی و تجاری بین اشخاص حقیقی و حقوقی در وضعیت تورمی و غیر تورمی به لحاظ مبانی فقهی اشکالی ندارد؛ به حقیقت عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز نزدیک است و از بروز بسیاری از مشکلات ناشی از تورم مانع می‌شود.^{۳۵}

۳۳. به منظور محاسبه نرخ برابری یک ارز در برابر حق برداشت، صندوق بین‌المللی پول، ارزش روزانه حق برداشت مخصوص، را در مقایسه با دلار محاسبه کرده، بانک مرکزی انگلستان نیز متوسط نرخ خرید و فروش ارزها را در برابر دلار، در ظهر هر روز اعلام می‌دارد که با استفاده از این نرخ‌ها، نرخ برابری ارزها در مقایسه با «حق برداشت مخصوص» محاسبه می‌شود.

۳۴. مطالب درباره «حق برداشت مخصوص» نقل و برگرفته از: مهدآرا، حسین، حق برداشت مخصوص و نظام پولی جهان، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۵، صص ۵۸۱-۵۸۵.

۳۵. یوسفی، احمدعلی، منبع پیشین، ص ۱۴۷.

نتیجه گیری

باتوجه به تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته شده در حقوق ایران می‌توان عنوان نمود که خسارت تأخیر تادیه وجه نقد در حقوق ایران در روابط قراردادی قابل مطالبه است. به عبارت دیگر خسارت تأخیر تادیه به دین به معنی اخص تعلق می‌گیرد، نه به خسارت ناشی از ضمان قهری. خسارت تأخیر تادیه وجه نقد نیاز به اثبات ضرر وارده ندارد. به عبارت دیگر به صرف نقض قرارداد، ورود خسارت از نظر قانونی مفروض است، در حالی که مطالبه هرگونه خسارت ناشی از تأخیر در ایفای تعهد بجز تعهد پولی (وجه نقد) طبق شرایط عمومی مطالبه خسارت نه تنها باید اثبات شود، بلکه رابطه سببیت بین نقض قرارداد و ضرر وارده و مستقیم بودن ضرر احراز شود.

در مورد مسئولیت جبران زیان ناشی از کاهش ارزش پول میتوان گفت براساس قواعد فقهی تسبیب و اتلاف؛ کسانی که به گونه ای سبب از بین رفتن مالیت و ارزش پول یا ایجاد تورم و در نتیجه اضرار به غیر شوند، ضامن هستند و فرقی بدون پشتوانه باشد و چه به صورت از بین رفتن پشتوانه این اسکناس‌ها باشد، یا با ایجاد مناقشات سیاسی و اختلافات داخلی و جناحی و یا بی انضباطی - های اقتصادی و اهمال در اجرای قوانین و برنامه های اقتصادی و مواردی از این قبیل، موجب بروز مشکلات اقتصادی و در نتیجه کاهش ارزش پول و قدرت خرید آن گردد، از مصادیق خسارت بوده و ضامن است. بنابراین، در این موارد می‌توان در وهله اول، دولت را مسئول جبران کاهش ارزش پول دانست، چرا که یکی از ارکان مهم مسئولیت مدنی وجود رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌بار است که اغلب حقوقدانان از آن به «انتساب عرفی» تعبیر می‌کنند. این رابطه بدین معناست که عرف باید ضرر را منتسب به فعل فاعل زیان‌بار بداند. در دیون مالی، آنچه موجب کاهش ارزش پول شده است نه فعل قرض‌گیرنده که عمدتاً عوامل اقتصادی است که از تحت اختیار قرض‌گیرنده خارج بوده است. از این‌رو به نحو مسلم، علت ضرر حاصل شده به ارزش حقیقی پول ارتباطی با وی ندارد در این حال فرض



شود که نفر اول به نفر دوم کالایی را قرض بدهد. در این زمان اگر نفر سوم ضرری به این کالا وارد بسازد وی ضامن جبران ضرر است گرچه از مسیر نفر دوم پیگیری جبران صورت می‌پذیرد. به عبارتی آن کسی که باید ضرر وارده را جبران نهایی نماید نفر سوم است و نه نفر دوم. بنابراین نفر اول و دوم متحمل ضرر نخواهند بود و صرفاً پیگیری امر بر عهده نفر دوم قرار می‌گیرد، چراکه کالای قرضی در زمانی که تحت ملکیت وی بود دچار ضرر شده است و حال وی باید از نفر سوم تقاضای جبران ضرر نماید.

از طرفی در حقوق کشور ما اصولاً مسئولیت مدنی، مبتنی بر تقصیر است و تقصیر دولت نیز در مورد اعمال تصدی‌گری که موجب خسارات شده باید اثبات شود. لذا در مواردی که ثابت شود عواملی خارج از کنترل دولت از قبیل شرایط اقتصاد جهانی، حالت اضطرار و ضرورت و یا اعمال حاکمیت موجب بروز خسارت از سوی دولت شده است، دولت از این نوع مسئولیت مدنی معاف می‌گردد.

فهرست منابع

- ۱- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۱، تهران، کتاب فروشی اسلامیه، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۷.
- ۲- امینی، علیرضا، موضوع شناسی پول و جایگاه آن در احکام فقهی کاهش ارزش پول، مجله جستارهای اقتصاد ایران دوره چهارم، شماره هشتم، ۱۳۸۶.
- ۳- بهشتی، سید محمدحسین، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۴- بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۵- جعفری، جمیله و باقری، احمد، مبانی فقهی و حقوقی مشروعیت ضمان دولت در پرداخت خسارت ناشی از کاهش ارزش پول، مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره دهم، ۱۳۹۳.
- ۶- حسین آبادی، امیر، تعادل اقتصادی در قرارداد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره بیستویکم و بیستودوم، ۱۳۷۶.
- ۷- رحیمی بروجردی، علیرضا، بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداخت‌های جمهوری اسلامی ایران، سومین سمینار سیاست‌های پولی و مالی، ۱۳۷۲.
- ۸- شمس، سید حسین، احکام فقهی پول، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، سال سوم، شماره نهم، ۱۳۷۶.
- ۹- صادقی مقدم، محمد حسن، تغییر در شرایط قرارداد، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۰- صافی گلپایگانی، لطف الله، نظرخواهی از فقها پیرامون مسائل حقوقی و فقهی ناشی از کاهش ارزش پول، مدرسه عالی شهید مطهری، مجله رهنمون، شماره هشتم، ۱۳۷۲.
- ۱۱- عابدینی، احمد، ربا در حالت تورم و ضمانت سقوط پول، اصفهان: انتشارات اقیانوس معرفت، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۲- عظیمی، هادی، جبران کاهش قدرت خرید در اثر مرور زمان، تهران: انتشارات تکرنگ، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۱۳- فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهیه، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم السلام، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
- ۱۴- کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ بیستم، ۱۳۸۹.



- ۱۵- محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه: بخش مدنی، تهران، نشر علوم اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.
- ۱۶- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن، پاسخ به نظرخواهی از فقها، فصلنامه رهنمون، شماره چهارم و پنجم، ۱۳۷۲.
- ۱۷- موسی زاده، ابراهیم، حاکمیت و عدالت در قرآن و اندیشه سیاسی امام علی(ع)، فصلنامه حقوق اساسی، ۱۳۸۴، شماره پنجم، صص ۲۹-۴۵.
- ۱۸- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن، القواعد الفقهیه، تهران، انتشارات دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۱۹- مهدآرا، حسین، حق برداشت مخصوص و نظام پولی جهان، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۲۰- ولایی، عیسی، فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- ۲۱- هاشمی شاهرودی، سید محمود، ضمان کاهش ارزش پول، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، شماره دوم، ۱۳۷۷.
- ۲۲- یوسفی، احمد، راههای جبران کاهش ارزش پول در سپرده‌های بانکی، مجله اقتصاد اسلامی، سال چهارم، شماره سوم، ۱۳۸۳.
- ۲۳- یوسفی، احمدعلی، ربا و تورم (بررسی تطبیقی جبران کاهش ارزش پول و ربا)، تهران، مرکز آثار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۹۱.